

تغییر موازنه قدرت و خطوط امنیتی در کشور و منطقه ما زنگ بخاک سپاری هژمونی امریکا بصدا درآمد روابط پیچیده اطلاعاتی با بازیگران منطقه‌ی

افزایش مقیاس رنج انسانی در کشور عزیز ما افغانستان
ما قربانی دادیم تا دیگران حکومت نمایند
چگونگی تغییر و تبدیل معادلات جهانی
خط و نشان کشیدن در نقشه آسیا

در ریالیسم منافع ملی بگونه فردی در نظر گرفته شده و از طریق موازنه قدرتست، که منافع ملی حفظ میگردد. این نوع نگرش به منافع ملی به همراه سیستم موازنه قوا، قبل از جنگ جهانی اول، در سیستم روابط بین الملل بوضوح جریان داشت. رفتارهای فردی و خودبینانه‌ای که قدرت‌های بزرگ در دوده عمر جامعه ملل از خود بروز دادند، سبب گردید تا منافع جمعی را قربانی منافع فردی خود نمایند. دیدگاه‌های قدرت‌های بزرگ و بویژه اروپایی‌ها در قبال سیر حوادث و انکشافات روابط بین المللی قابل دقت میباشد. چه، تازمانی که موضوعی منافع آنها را به خطر نمی انداخت، در حوزه تصمیم‌گیری‌های آنها جای چندانی نداشت. در دهه دوم عمر جامعه ملل سعی می شد که موضوع خارج از این سازمان رفع گردیده و موازنه قدرت میان این دول همچنان حفظ گردد. این عامل بمثابة اصلی ترین فاکتور در شکست اهداف جامعه ملل و آغاز جنگ جهانی دوم محسوب میگردد. در مقابل، ایده‌های آرمانگرایانه بگونه‌ای بدنبال منفعت جمعی از طریق همکاری دستجمعی بودند کاصل اساسی در تشکیل جامعه ملل بشمار می‌آمد. در عین حال، فاکتورهای موجود در نظریات مطرح در مورد، مانند تکیه بر اخلاق، منع قدرت نظامی، تأکید بر صلح، امنیت دستجمعی و وابستگی متقابل، از جمله فاکتورهایی بودند که مورد علاقه دولتهای کوچک نیز قرار داشتند. بنابراین مواضع کشورها تا جاییکه با منافع یکی از قدرتهای موجود گره نمی خورد، اصلن دارای مشکلی نبود، اما بمحض برخورد منافع، تضاد نگرش‌ها بگونه گسترده‌ای مشهود بود.

با در نظر داشت شرایط و وضعیت عمومی جامعه افغانی بمفهوم وسیع کلمه، برخی‌ها اقامه دعوا نموده و چنین می‌پندارند اینک باتغییر مراتب قدرت، علیرغم واقعیهای موجود و عوامل بازدارنده در کشور، حاکمیت کنونی "طالب"ها بگونه افتان و خیزان بحیاطش همچنان ادامه داده و با معضلات موجود دست و پنجه نرم می‌نماید. عوامل و فاکتورهای دخیل در امر یادشده را بایست شناخت و دلایل آن را باید بگونه مشخصی جستجو و بررسی نمود. ویژگی‌های جامعه سنتی و بشدت محافظه کار افغانی، ایدئولوژی و طرزنگاه "طالب"ها به قضایای موجود کشور، نبود ضعف اپوزیسیون، موجودیت منابع داخلی بمنظور کسب درآمد، ارائه کمک‌ها و معاونت‌های بشردوستانه توسط کشورها و سازمان‌های بین المللی و سلسله‌ای از عوامل و فاکتورهای متعدد دیگر، بنحوی از انحاء در تثبیت وضعیت اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشور کمک و معاونت می‌نماید. اگر در مورد ویژگی‌های فرهنگی جامعه ما نظر انداخته شود، این واقعیت بوضاحت کامل آشکار خواهد گردید که اکثریت قریب باتفاق شهروندان کشور ما در محلات و مناطق دورافتاده روستایی، جدا از هم و در دره‌های کوهستانی و بگونه منزوی از جهان خارج بود و باش نموده و حیات بسر می‌برند، در نهایت امر در شیوه زندگی و چگونگی ارزش‌های مورد نظر در جامعه افغانی، اصلن تغییر و تحولی بمشاهده نمیرسد، در جامعه‌ای که در امتداد سده‌ها، یگانه مرجع امید حل و فصل معضلات شهروند

ان کشور، نه حاکمیت دولتی بلکه بزرگ محلی بشمار آمده و تا هنوز هم، در برخی از آنها، واقعیت پذیرفته شده محسوب می‌گردد. برای اکثریت شهروندان کشور عزیزما، بویژه برای آنهایی که در دهات و روستاها بود و باش می‌نمایند، دفاع، حفظ و نگهداری از منافع خانواده و قبیله‌شان در اولویت قرار دارد. شهروندان کشور مادر مجموعه زندگی، از رسم و سنت‌های منحصر بفردی کاز جمله یکی هم مهمان نوازی و نگرش محتاطانه در قبال خارجی‌ها و هر مورد جدید میباید، پیروی می‌نمایند. قابل تذکر می‌باشد که به پندار برخی از شهروندان کشور، سیاست رهبری "طالب"ها در باره چگونگی رعایت موازین شرعی، جایگاه و موقف بانوان در جامعه و نوع نگاه آنها در باره معیارهای عمومی حیات شهروندان کشور و بمفهوم وسیع کلمه با عقاید و ضوابط پذیرفته شده روستایی همخوانی داشته و مشترکات زیادی بهم می‌رساند.

"طالب"ها بویژه پس از نایل گردیدن بمراتب قدرت و تسلط بر جامعه، از درآمدهای بدست آمده از منابع مختلفی سود می‌برند. برخلاف تصور، سودهای حاصله از تجارت موادمخدر، بمثابه یگانه منبع درآمد آنها نبوده بلکه با جمعآوری مالیات تحت عنوان عشر (۱۰ درصد مالیات بر محصولات) و ذکاة سنتی (۵، ۲ درصد مالیات "بمنفع فقرا") از آن‌ها سودهای زیادی را بمنظور تهیه و تولید مواد مخدر انجام می‌دهند، مبادرت می‌ورزند.

نباید فراموش خاطر ما گردد که مقررات اینچینی مالیاتی، به یکبارگی و یک شبه شکل نگرفت. پس از فروپاشی حاکمیت دوره نخست "طالب"ها و از سر گرفتن مخالفت‌ها با دولت برهبری کرزی، بگونه معمول از حصول وسرا زیر گردیدن کمک‌ها و معاونت‌های هواداران‌شان در مناطق و محلات تحت اداره آنها رضایت داشتند. بموازات تقویه و تحکیم مواضع "طالب"ها بویژه در مناطق دهاتی و تحت نظر آنها کمک‌ها و معاونت‌هایی یا بگونه داوطلبانه و یا بشکل هزینه‌های اجباری و یا اخادی از مشاغل صورت گرفت. آنها در امتداد زمانی مخالفت با دولت نیز مقادیر هنگفت پولی، بویژه از ترانزیت کالاها از طریق قلمرو تحت نظارت‌شان دریافت نمودند.

با وجود آنکه "طالب"ها اکنون از درآمدهای اینچینی محروم اند، اما آنها عوارض گمرکی و ترانزیتی را بویژه با انتقال کالاها از ایرانی و آسیای میانه از طریق اراضی متعلق با افغانستان به کشور پاکستان و بالعکس آن بدست می‌آورند.

بر بنیاد اصول و مقرراتی که قبلاً در دوران جمهوریت در کشور نافذ بود و با وجود ادعای "طالب"ها مبنی بر منع قراردادن مالیات غیر شرعی، هنوز هم مالیات از مشاغل و از دهقانان کشور جمعآوری می‌گردد. اما اینکه کدام نوع مالیات را غیر شرعی می‌پندارند، تاکنون در زمینه توسط آنها توضیحی ارائه نگردیده است. تمویل خارجی و ارائه معاونت‌های بیرونی، یکی دیگر از منابع درآمد "طالب"ها محسوب می‌گردد. کارشناسان چنین می‌پندارند که در مجموع شرکت‌کننده‌ها و سهمگیرندگان امریاد شده، سهم عمده و قابل توجه بر عهده پاکستان، عربستان سعودی و ایران می‌باشد. باید پذیرفت که ارائه معاونت‌ها و تأمین مالی "طالب"ها بواسطه دول و سازمان‌های موجود در کشورهای همجوار بمفهوم اخص و کشورهای منطقه بمفهوم اعم، بمثابه اعمال فشار علیه "طالب"ها نیز محسوب می‌گردد. از تاریخ آغاز دومین دور حاکمیت "طالب"ها در کشور، زمانی که حرف و حدیث از کمک‌ها و معاونت‌های خارجی در میان میباید، بایست یادآور گردید که کمک‌های ارائه شده بشردوستانه توسط سازمان‌های بین‌المللی از قبیل سازمان "نجات کودکان"، "صلیب سرخ" و "یوناما" و یک سلسله از سازمان‌های غیردولتی بحاکمیت کنونی "طالب"ها در کشور، این فرصت را میسر خواهند نمود تا حداقل هم اگر شده، از انکشاف اوضاع بجانب بدتر و وقوع فاجعه انسانی جلوگیری بعمل آید.

موضعگیری‌های سختگیرانه ای در قبال بانوان کشور، تعطیلی مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها بر روی آنها، قبلاً منجر به کاهش حجم کمک‌ها گردیده که سبب ایجاد معضلاتی شده و شهروندان کشور از چنین وضعیت ناگواری در رنج و عذاب می‌باشند.

با در نظر داشت کلیه مسایل و معضلات موجود، چنین ادعای می‌گردد که در وضعیت و شرایط کنونی کشور، چگونگی و نحوه عملکرد و اقدامات مورد نظر مخالفان، برای "طالب"ها معضل جدی و قابل توجهی پنداشته می‌شود. نباید فراموش نمود که در شرایط حاضر در کشور، این "داعش خراسان" است که بمثابه رقیب اصلی "طالب"ها پنداشته می‌شود. طرز نگاه و نحوه دید گروه‌های یاد شده به قضایا و واقعیت‌های موجود از هم متفاوت بوده و با تمیازی از هم مجزا می‌گردند. چه، اگر "طالب"ها بمثابه پیروان شاخه حنفی متعلق به فرقه اهل سنت در اسلام پنداشته می‌شوند، "داعش" از جمله و هابیانی می‌باشند که در مقایسه با سایر جنبش‌های مذهبی، در قبال کافران، حساسیت‌هایی دارند. بر این بنیاد، حتا مسایل احکام شرعی نیز از جانب گروه‌های یاد شده بگونه‌های متفاوت از هم تفسیر می‌

گردد. بگونه کلی می توان اظهار نمود کاهداف ستراتیژیک دسته بندی های یادشده از همدیگر کاملن متفاوت می باشد.

بگونه نمونه، اگر "طالب" ها در امر سنت تاریخی مقاومت و پایداری در قبال تهاجم کشورگشایان و تجاوزگران خارجی بمثابة جنبش آزادیبخش ملی وارد عرصه و میدان کارزار اجتماعی گردند، اما مشکل و معضل مبارزه با "داعش" که عمدتن دربرگیرنده مزدوران خارجی نیز می باشد، با تمام اهمیت آن مطرح می گردد. بر بنیاد بررسی های سازمان ملل، هسته مرکزی "داعش خراسان" متشکل از تروریست های سوریه و عراق می باشد که بنحوی از انحاء بمثابة بنیانگذاران و رهبران این دسته بندی شناخته می شوند. همچنان جنگجویان مزدور و اجیران جنگی پاکستانی و ازبکستانی نیز شامل گروه یادشده می گردند. در چنین وضعیتی، برخی از شبه نظامیان سازمان تروریستی جنبش اسلامی به "داعش خراسان" پیوستند. این مسأله کاملن واضح و مبرهن می باشد که تعداد قابل توجهی از نظامیان داعش را "طالب" های سابق تشکیل می دهند که بدلائل گوناگون و متفاوتی جانب ولایت های شان رهسپار گردیدند. علاوه بر آن، گروه های منفرد "داعش"، ممکنست بگونه یک کل، متشکل از نماینده های گروه قومی مشخصی باشند. در مورد رویارویی های "طالب" ها با "داعش"، با احتمال اغلب که بدلائل مؤجه از قبیل تعداد جنگجویان و در اختیار داشتن وسایل و مهمات حربی، قادر به درهم شکستن اقدامات طرف مقابل گردیده و برنامه های آنها را نقش بر آب نمایند. اما بخاطر ما باشد که در امتداد زمانی یک سال و نیم پسین، حملات و اقدامات تروریستی توسط "داعش" به هدف ایجاد ترس و هراس میان شهروندان ملکی کشور و از میان برداشتن جنگجویان "طالب"، این واقعیت عملن باثبات رسید که "طالب" ها در امر تأمین کامل و سراسری امنیت در کشور، مؤفقییت های آنچنانی نداشته و اظهار نظر های آنها در مورد ضعف و ناتوانی "داعش" نمی تواند منعکس کننده تصویر واقعی از وضعیت موجود کشور پنداشته شود.

در نهایت امر، پرسش هایی هم مطرح می گردد کآیا سیاست خارجی و مناسبات بین المللی "طالب" ها، بروفق مراد و منطبق با سیاست های داخلی بشدت ایدئولوژیک آنها بوده و در زمینه اخیر، عمل گرآتر محسوب می گردند؟ آنها با سبک و سنگین نمودن توانایی ها و امکانات شان، علاقمند و طرفدار ایجاد و توسعه روابط و مناسبات با طیف گسترده ای از بازیگران بین المللی می باشند. همچنان سعی بعمل میآورند تا در حوزه سیاسی - اجتماعی، امتیازات اینچینی را که ممکن بمثابة ضدیت با ارزش های آنها محسوب گردد، بطرف مقابل اصلن قابل نگرند.

در نهایت امر، قابل یاددهانی پنداشته می شود که وسایل اطلاعات همگانی بویژه در ایالات متحده، اصل فراخواندن توأم با عجله و شتاب نظامیان امریکایی از سرزمین و اراضی متعلق با افغانستان را از جمله دلایل هرج و مرج و نابسا مانی های پس از آن می پندارند.

درسند چند صفحه یی تحت عنوان "پس از بررسی واقعیت ها" تذکر بعمل آمده که دولت های برهبری دونالد ترامپ و جو بایدن، "واقعیت مسایل" و سناریوهای احتمالی در مورد قضایای موجود افغانستان را محاسبه نموده و یا بآن کم بها داده شد. دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده چنین می پندارد که فراخواندن با عجله و توأم با شتاب نظا میان امریکایی از افغانستان، در مجموع، ابتکار عمل دیپلوماتیک را محدود نموده و منجر به سقوط کابل و تکوین حوادث اتفاقیه بعدی گردید.

بر بنیاد برداشت های دستگاه دیپلوماسی ایالات متحده، وقایع و چگونگی سیر حوادث در سرزمین افغانستان، بگونه دست و پاگیری توسط یک گروه ضربتی، رسیدگی بعمل آمده و اما دست اندرکاران و متخصصان آن اصلن نمی توا نستند از عهده انجام وظایف گسترده و پرحجمی بدرآیند. وضعیت ذکر شده در کنار عوامل و فاکتورهای دیگری، کار مندان مربوطه را در معرض خطرات بیشتری قرار می داد.

در حوادث و اتفاقاتی که از آنها درسند یادشده دستگاه دیپلوماسی ایالات متحده تذکار بعمل آمده، باتفاقات ماه اسد سال ۱۴۰۰، بویژه به زمانی بر می گردد که "طالب" ها بیش از هر زمان دیگر، حملات شان بر مواضع دولتی را شدت بخشیدند. چنانچه شاهد بودیم، پس از دو هفته تحرکات مسلحانه، "طالب" ها به کابل وارد شده و به شهروندان ختم جنگ و پایان پذیرفتن درگیری های مسلحانه در کشور را بشارت دادند. در نتیجه:

در امتداد شب ۳۰ ماه اسد سال ۱۴۰۰، ایالات متحده بموجودیت و حضور ۲۰ ساله اش در کشور ما نقطه پایان گذاشته و نظامیان آنکشور از افغانستان به میهن شان فراخوانده شدند.

یکشنبه ۸ ماه اسد سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۳۰ ماه جولای سال ۲۰۲۳ ترسایبی